

سخنرانی آقای دکتر بیانی

کلیل دانشگاه و رئیس دانشکده ادبیات تبریز

بمناسبت افتتاح هوزده آذر با بچان

دوشنبه ۱۳ تیر ۱۳۲۸

دوران زندگانی اجتماعات بشری و ملل را تحولاتی است که بدون شك در سرنوشت هر يك از آنها دخالت تام داشته وسیله میشود که یکی را باوج قدرت و خوشبختی و دیگری را بحضیض مذلت و خواری سوق دهد . جامعه و ملتی میتواند گلیم خویش را از آب حوادث بیرون کشیده موانع و دشواریهای زمانه را یکی پس از دیگری از پیش پا بردارد که چشم و گوش باز کرده و با دقت و ژرف بینی در پهن دشت زندگانی با وجود هزاران پیچ و خم پستی و بلندی از هیچ مانعی نترسیده با حسن تدبیر و عقل کافی سعی وافیه مبذول دارد که عوامل مؤثره زندگی خویش را در معرض امتحان در آورد آنچه را که مستحق و مفید است بپذیرد و آنچه را که مضر و مسبب بدبختی و خرابی روح و جسم آن است بدور افکند . آیا کافی است که جامعه و یا ملتی برای رسیدن باین هدف فقط دوران گذران و آنی زندگانی خویش را ملاک عمل قرار داده بدون توجه بتاریخ گذشته در این مرحله قدم گذارد ؟ کدام جامعه و حتی فرد انسانی است که توانسته است از گذشته اش صرف نظر کرده کاخ حیات خویش را بر روی این پایه محکم و استوار بنهد و مراحل عمر را بآسانی بپیماید ؟ پس این وسیله حیاتی و ضروری را که مشخص و راهنمای

افراد و توده‌های انسانی است در کدام يك از مراحل شناسائی و معلومات او باید جستجو کرد؟ ناچار باید تاریخ و آنهم تاریخی که مستند بموازن علمی باشد عامل اصلی بشمار آوریم البته در محضر حجج اسلام و دانشمندان و فضلا خالی از جسارت نیست که بخواهم دنباله بحث در این قسمت را بدرزا بکشانم و با ادله و براهین حجت‌های علمی بشود آن اقدام ورزم زیرا اهمیت تاریخ و علمی که این فن در هدایت اقوام دارد بر همه کس روشن و مبرهن است و حاجت باستدلال و آوردن برهان نیست.

بطوریکه مسنحضرند مفهوم تاریخ حقیقی و علمی تنها ثبت وقایع نیست مورخ واقعی تنها به وقایع اتفاقیه اکتفا نکرده از عادات و رسوم و اصول اجتماعی و اوضاع سیاسی و اقتصادی و روحیه اقوام و امم استفاده کرده آنها را در غربال تجربه و اصول علمی خود ریخته پس از بهم آمیختن نتیجه‌ای را که عبارت از سرنوشت و راه و رسم زندگی و مظهر تمدن يك قوم و ملتی است تحویل میدهد بعبارت اخیری مورخ از جزئی‌ترین اثر و قرینه‌ای که ممکن است ویرا در راه رسیدن بمقصود کمک کند استفاده کرده آنها را در ساختن بنای حقایق بکار می‌بندد جای تعجب نیست اگر بگوئیم کشف اشیاء بسیار پیش پا افتاده زندگی از قبیل ظروف و آلات و ادوات حرب و حتی مقابر ادوار حیات اجتماعی را که هزاران سال بر عالم متمدن کنونی تا معلوم بوده معلوم ساخته و صفحاتی بر مجلدات بی‌شمار تاریخ افزوده و کمک شایانی براه و رسم بشر کنونی کرده است ملل متمدن امروزی با پیشرفتهای محیر العقول در تمام شعب فتون و علوم با کشف مقابر مصری و یا آثار دیگری از ملل متنوعه مشرق زمین يك باره بخود آمدند که در چندین هزار سال پیش مردمانی بودند که آلات دقیق مهندسی داشته در راه سازی و حفر کانالها و ایجاد ساختمانهای رفیع مانند اهرام مصر دست کمی از ایشان نداشتند

وظروف و آلات زندگانی دیگری که از حیث زیبایی و نقاشی و رنگ آمیزی به تناسب مدت و زمان دست نگارخانه چین را از پشت بسته و کارخانه‌هایی را مانند کارخانه سور فرانسه ناچار بتعظیم میکردند.

کدام حجاری است که در مقابل حجاریها و نقوش برجسته تخت جمشید مات و مبہوت نایستاده و زبانش بمدح و ثنای صنعتگران دو هزار سال پیش گشودم نشود سالها مدارس صنایع مستظرفه باید خون دل بخورند و تمام روش علمی خود را بکار برند تا نقاش و یا مجسمه سازی تحویل جامعه بدهند آیا حجاریها و معمارها و صنعتگرانی که قصوری مثل تخت جمشید و یا شوش ایران و یا آکروپول یونان ساخته اند بمقدار جدید آشنا بوده و از مدارس صنایع مستظرفه مثل مدرسه صنایع مستظرفه پاریس خارج شده اند؛ هنوز صنعتگران و معماران و حجاران دسترنج اسلاف چند هزار ساله خود را سرمشق قرار داده و بدون چون و چرا از ذوق سرشار و خارق العاده آنان استفاده می‌برند.

این نکات بر ملل راقیه پوشیده نمانده باجدیت و پشتکار فوق العاده در جمع آوری آثار گذشتگان نه تنها اجداد خویش بلکه تمام ملل روی زمین که تمدنی داشته کوشا بوده باصرف مبالغ هنگفت و سرشار که از ملیاردها میگذرد بایجاد موزم‌هایی همت گماشتند در همین قفسه‌های چوبی و یا آهنین است که فکر، شعور، عقل، تدبیر و رسم زندگی، اخلاق و عادات، اصول، عقاید، تاریخ، جغرافیا و شعر البته موسیقی تعجب نفرمایند سیاست و اصول اقتصادی اقوام و امم روی زمین محفوظ و از نزدیک در دسترس و تحت مطالعه ما مردمان کنونی میباشد.

ما هم تمدنی داشتیم روزی بردنیائی حکمفرمائی میکردیم اشعه تابناک تمدن ما بردنیائی منعکس بود بسیاری از مردم جهان ریزه خوار خوان احسان و کرم و فکر و عقل ما بودند بر ما اخلاف خلف لازم است بنام حق شناسی

و استفاده از سرچشمه فیض اسلافمان آثار فکری آنان را مثل سایر ملل مترقی جمع آوری و بدینا ثابت کنیم که هنوز زنده‌ایم و از دیگران دست کمی نداشته و نداریم.

بخطا در سال گذشته روزی در انجمن ادبی آذربایجان که متأسفانه تشکیل آن بپوتۀ فراموشی افتاده از تأسیس موزه‌ای در تبریز یعنی در مرکز استانی که از قرون متمادی کانون تمدن مشرق بوده صحبت بمیان آمد این موضوع را در دل گرفته و آرزو کردم بلکه بتوانم این مهم را نیز روزی بمرحله عمل درآورم در یکی از مسافرتها بتهران آرزوی خود را با آقای مصطفوی رئیس اداره کل باستانشناسی در میان نهاده از ایشان استفسار کردم آیا ممکن است در این موقع که دانشگاه تبریز روبراه شده و قوامی یافته است موزه را ضمیمه آن بنمائیم ایشان عملی شدن آنرا با حسن قبول تلقی پس از مشورت و موافقت جناب آقای دکتر مهران معاون فعال وزارت فرهنگ پیشنهادی متفقاً بجناب آقای دکتر اقبال که تصدی وزارت فرهنگ را داشتند کردیم از آنجائیکه جناب ایشان پیوسته نظر خاصی بترقی و توسعه دانشگاه تبریز داشتند و دارند با پیشنهاد موافقت و با منظور داشتن اعتباری در بودجه دانشکده ادبیات موزه آذربایجان را ضمیمه دانشگاه فرمودند این جانب بلافاصله شروع بکار کردم و با کمک و مساعدت اولیاء امور اداره باستانشناسی آن قدر اصرار بخرج دادم تا امشب افتخار دارم با چند قفسه محقر و مقداری اشیاء نا چیز اساس موزه آذربایجان را بریزم

در این تاریخ بجرأت و جسارت میتوانم بگویم که در سایه تفضلات الهی و عنایات ذات شاهنشاه معظم و توجهات اولیای امور دانشگاه تبریز دارای همه چیز بوده و در جاده صاف هموار افتاده است بر آیندگان است تا چگونه این کاروان علم و ادب را بمقصد برسانند

از ذکر این نکته ناگزیریم که موزه متعلق به فرد افراد کشور بوده و همگی باید در توسعه و پیشرفت آن از بذل هیچگونه کمکی خودداری ننمایند تا انشاء الله روزی موزه آذربایجان لااقل با موزه ایران باستان دم از هم سری بزنند .

در خاتمه از آقایان گدار مدیر کل و مصطفوی رئیس اداره کل باستانشناسی و خانم ملکزاده بیانی موزه دارموزه ایران باستان که در ارسال اشیاء عتیقه و سکه و تنظیم آنها کمک شایانی بموزه آذربایجان کرده و همچنین از جناب آقای مهران معاون استانداری و آقایان حاجی محمد آقا و حاجی حسین آقا نخجوانی که پیوسته موجبات تشویق این جانب را در تاسیس موزه فراهم آورده‌اند بنام موزه آذربایجان و دانشگاه تبریز تشکر می‌کنم .